یادداشت

بودجه آموزش‌وپرورش در ترکیه ۴ برابر ایران

امید یعقوب‌زاده*

• امروزه آموزش علوم چه در سطح مدارس و چه در سطح دانشگاه‌ها، از اهمیت ویژه‌ای در بین کشورهای جهان برخوردار است. هرچند آموزش و تحصیل علوم سابقه‌ای چندهزار ساله دارد، اما با گذشت زمان و هرچه نزدیک‌ترشدن به عصر حاضر، این موضوع جنبه عام‌تری یافته و دولت‌های مختلف نیز سرمایه‌گذاری‌های کلانی را به این امر اختصاص داده و همواره سعی در افزایش کیفیت آموزشی در کشور خود دارند.

در کشور ما نیز سال‌هاست که متفکران و سیاست‌مداران مختلفی مانند قائم‌مقام‌ها و امیرکبیر و... به اهمیت امر آموزش پی برده و در این راستا گاهی اقدام به اعزام محصل به خارج از کشور کرده و گاهی نیز مبادرت به ساخت دانشگاه‌ها کرده‌اند.

درواقع نقش مهم دانش‌آموزان امروز در ساختن آینده کشورمان، بر کسی پوشیده نیست و مسلما نقش و جایگاه معلمان در شکل‌دادن و تأثیرگذاری بر فکر و ذهن و حتی شخصیت این آینده‌سازان کشورمان غیرقابل انکار است. اما متأسفانه دولتمردان ما با وجود تأیید این موضوع در گفته‌های خویش، در تناقض با این نظر عمل می‌کنند که اختصاص سهم اندکی از بودجه سالانه به وزارت آموزش‌وپرورش، شاهدی بر این مدعاست.

با نگاهی به آمار بودجه کل سالانه کشور در پنج سال اخیر، درمی‌یابیم به ترتیب در سال ۸۹: ۹.۵، سال۹۰: ۷.۸، سال۹۱: ۹.۷، سال۹۲: ۷، سال۹۳: ۸.۶ و در سال۹۴: ۹.۲ درصد این بودجه سالانه به وزارت آموزش‌وپرورش اختصاص پیدا کرده که البته بیش از ۹۰ درصد این بودجه صرف حقوق پرسنل این وزارتخانه می‌شود. هرچند با روی‌کارآمدن دولت تدبیر و امید شاهد افزایش بودجه این وزارتخانه بوده‌ایم و بودجه سال جاری این وزارتخانه یعنی سال ۱۳۹۴ به حدود ۲۴ هزارمیلیارد تومان رسیده است (یعنی چیزی حدود پنج میلیارد یورو)، اما بازهم بودجه اختصاص داده‌شده به این وزارتخانه به هیچ‌وجه وضعیت قابل قبولی ندارد. می‌توان با نگاهی به بودجه آموزش‌وپرورش در دیگر کشورهای دنیا و مقایسه آن با کشور خودمان، به نتایج مهمی دست یافت.

در بین کشورهای دنیا ژاپن با اختصاص ۱۶۵میلیارد یورو به موضوع آموزش‌وپرورش، در جایگاه نخست و کشورهای آمریکا با ۱۰۳میلیارد یورو، انگلیس با ۷۹ میلیارد یورو و فرانسه با ۷۸ میلیارد یورو، در رده‌های بعدی قرار دارند. جالب آنکه کشور همسایه ما یعنی ترکیه نیز حدود ۲۲ میلیارد یورو را به امر آموزش‌وپرورش اختصاص داده است، یعنی تقریبا چهار برابر بودجه‌ای که ما به این امر اختصاص داده‌ایم. (آمارها مربوط به سال ۱۳۹۳ است). همچنین نگاهی به درآمد معلمان در کشورهای مختلف نیز خالی از فایده نیست. طبق آمار، حقوق یک معلم آمریکایی به‌طور میانگین ۵۰ هزار دلار در سال است، یعنی چیزی حدود چهارهزار دلار در ماه (البته در برخی کشورها مانند آمریکا تفاوت‌هایی بین شهرهای مختلف وجود دارد)، این حقوق برای یک معلم در انگلیس به‌طور میانگین ۴۵ هزار دلار در سال، در کره‌جنوبی ۵۰ هزار دلار در سال، در قطر بین ۲۸ تا ۴۴ هزار دلار و در ترکیه ۲۳تا ۲۷ هزار دلار در سال است. طبیعتا کشورهای توسعه‌یافته‌ای که چنین توجهی به نظام آموزشی خود دارند، برنامه‌های بلندمدتی را دنبال می‌کنند و با علم به اینکه سرمایه‌گذاری در این مقطع و نهاد می‌تواند ثمرات ارزشمندی در آینده این کشورها به دنبال داشته باشد، مبادرت به این امر می‌کنند. به مصداق این بیت زیبا از سعدی که: خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم/ دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم

مسلما ما نیز با این توجه اندک به چنین موضوع مهمی، نمی‌توانیم انتظار معجزه داشته باشیم. به‌راستی چگونه می‌توان از معلمی که همواره دغدغه مشکلات اقتصادی خود را دارد و حتی به شغل دوم و حتی سوم روی می‌آورد، انتظار داشت با خیالی آسوده و فارغ از مشکلات مادی، به افزایش معلومات خود پرداخته و یک معلم واقعی برای دانش‌آموزانش باشد؟

چگونه می‌توان از مدارسی که گاهی اوقات با فقدان حداقل امکانات آموزشی و تحصیلی روبه‌روینـد، انتظار تولید دانش‌آموزانی پویا را داشت؟ طبیعتا یکی از علل اصلی وضعیت بحرانی در نظام آموزشی ما، اختصاص چنین بودجه‌های اندکی است که حتی پاسخ‌گوی برخی از حداقل‌ها نیز نیستند. دولتمردان ما باید بدانند برای پیشرفت و توسعه و البته تربیت انسان‌هایی کوشا و متعهد به منافع ملی کشور به‌عنوان لازمه این امر، باید دست به برنامه‌ای بلندمدت و حساب‌شده زد و تحقق این امر منوط به توجه ویژه به آموزش‌وپرورش کشورمان است و البته نباید نادیده انگاشت بار سنگین این مسئولیت مهم بیشتر از هرجایی، بر دوش معلمان این کشور سنگینی می‌کند و نباید مشکلات اقتصادی را نیز بر سنگینی این مسئولیت مهم بیفزاییم.

*دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

تهران را ۲۴ ساعته کنید

ادامه از صفحه۵

یکی از بحث‌هایی که باید به‌جد به آن توجه شود، ایجاد مزیت‌های نسبی اقتصادی در بافت‌های فرسوده است که بتوانند رقابت خودشان را در ارتباط با جریانات اقتصادی شهر داشته باشند. مادامی که این مسئله اتفاق نیفتد، با نابرابری شهری مواجهیم که رانت تولیدشده در حوزه اقتصادی این حوزه‌های نوساز و تجاری، به‌شدت مسئله اقتصاد بافت‌های فرسوده را از بعد خرد و کلان از گردونه حذف می‌کند.

اسلامی: ساختار اقتصادی کشور ما ساختار وابسته به تورم است. ساختار وابسته به تورم، تصمیم‌گیری را کوتاه‌مدت می‌کند؛ یعنی در کشورهایی که تورم خیلی زیادی دارند، مردم، بنگاه‌ها و برنامه‌ریزان نگاه کوتاه‌مدتی خواهند داشت، چون نمی‌توانند آینده را پیش‌بینی کنند. این مسئله یکی از عواملی است که منجر به این تصور شده که منافع اقتصادی در این بافت‌ها کمتر است. نکته دوم موردی است که باعث شده واقعا منافع اقتصادی در این بافت‌ها کمتر باشد و آن اینکه دولت‌ها به جای توجه به محدوده‌ها و محلات هدف بازآفرینی شهری، شروع به امتیازدهی به دیگر بخش‌ها کرده‌اند. بخش‌هایی مربوط به خطاهای برنامه‌ریزی است و بخش‌هایی به این دلیل است که شهرداری‌ها و سایر نهادها، درآمدهایشان وابسته به توسعه‌هایی است که در ادبیات جدید شهر توصیه نمی‌شود. یعنی درآمد شهرداری به عوارض وابسته است و هرچه شهر در ارتفاع افزایش پیدا کند، درآمد زیاد می‌شود. بنابراین در مناطقی که محدوده هدف نیستند این اتفاق می‌افتد و به آنجا امتیاز داده می‌شود و امتیازدهی در محدوده هدف کاهش پیدا می‌کند. این اتفاقات تا حدی به این دلیل رخ داده که برنامه‌ریزی یکپارچه شهری نبوده و شهر برای امروز مدیریت شده نه برای سال‌های آینده. در نتیجه شهرداری می‌خواهد هزینه‌های جاری را از همه درآمدهای آتی شهر کسب کند؛ بنابراین تراکم و عوارض می‌فروشد. درنتیجه این شهر در آینده با مشکلات اقتصادی برای اداره مواجه خواهد شد چون مساحتش خیلی زیاد شده و اداره شهر خیلی پرهزینه است و درآمدهایی که می‌توانست به دست بیاید، قبلا استفاده شده است. ضمنا مشکلات اجتماعی هم خواهد داشت؛ خالی‌شدن بافت میانی شهری، به‌هم‌خوردن ساختار اجتماعی بخش‌های مختلف و ترکیب جمعیتی مختلف، معضلات زیادی را ایجاد خواهد کرد. خطر بسیار جدی این است که من در نگاه برنامه‌ریزی به این حوزه هم دچار کوتاه‌مدت‌نگری شوم. یعنی بخشی را در داخل شهرها توسعه دهیم و شروع کنیم به تعریف منابع اقتصادی کوتاه‌مدت در این بافت‌ها که خود باعث می‌شود در آینده معضلات اجتماعی و اقتصادی جدی‌ای داشته باشیم. این در حالی است که مسائل اجتماعی مثل هویت و پیوندهای اجتماعی در این مناطق بسیار اهمیت دارد و به این خاطر باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم و منابع سرمایه را به این بافت‌ها برگردانیم.

این نگاه کوتاه‌مدت برای کسب درآمد به مناطق شهری آسیب نمی‌زند؟

روستا: وقتی از بافت‌های شهری و اقتصاد صحبت می‌کنیم، به این معنی نیست که با این نگاه به بافت‌های هدف توجه نشده است؛ در این بافت‌ها هم پروژه‌های اقتصادی تعریف شده‌اند که این پروژه‌ها چون با هدف منفعت اقتصادی بودند، متناسب با نیاز مردم نبوده و زیرساخت‌های اقتصاد محلی ایجاد نکردند. در حوزه این بافت‌ها یکی از بحث‌ها، اقتصاد محله است؛ یعنی اقداماتی که در این بافت‌ها در حوزه نوسازی انجام می‌شود، چطور منجر به تحرک اقتصاد محله شود. از طرفی این پروژه‌ها رانت ایجاد کرده‌اند. گاهی این پروژه‌های اقتصادی در مکان‌هایی مانند یافت‌آباد، عبدل‌آباد، دلاوران، مناطق هفت تا ۱۰ شهر تهران، با هدف تولید پول و سود تعریف شده اما چون به‌هیچ‌وجه محلی متناسب با بافت ندارند، منجر به ایجاد رانت شده‌اند. نکته این است که مدیریت شهری در اقتصاد تورمی چگونه باید خود را مدیریت و هزینه‌های جاری شهر را نیز تأمین کند. درحال‌حاضر ساده‌ترین گزینه فروش تراکم در ابعاد گسترده، تغییر کاربری در مقیاس‌های متفاوت در شهرهاست، اما نگرانی، پایداری این نگاه‌هاست. ممکن است مدیریت شهری با دید دسترسی به منابع زودهنگام دست به چنین اقداماتی بزند، اما در طولانی‌مدت اتفاقاتی که در حوزه جابه‌جایی شهری، ترافیک و حمل‌ونقل خواهد افتاد، چندین برابر این درآمدهای کوتاه‌مدت، در بلندمدت برای مدیریت شهری هزینه‌بر خواهد بود. بنابراین تعریف پروژه‌های کوتاه‌مدت از نظر سوددهی اقتصادی و نگاه کوتاه‌مدت مدیریتی، تا زمانی که تورم در جامعه باشد، در طولانی‌مدت اثرات زیان‌باری را در شهر و بر شهروندان و مدیریت شهری تحمیل خواهد کرد. از طرفی می‌توانیم از منظرهای متفاوتی به مسائل اقتصادی در بافت‌ها نگاه کنیم؛ مثلا مقوله انرژی. در تمام شهرهای دنیا یک نگاه کلان درباره این موضوع در قالب شهرهای فشرده وجود دارد. اساسا توجه به شهرهای فشرده به دو دلیل انجام می‌شود یکی به دلیل مقوله امنیت، دوم جابه‌جایی انرژی. درواقع در طولانی‌مدت، هم موضوع امنیت هم جابه‌جایی انرژی، هزینه‌هایی را در آینده بر شهرها تحمیل خواهد کرد که خیلی سنگین است؛ بنابراین در همه شهرهای دنیا با نگاه توسعه درونی و بازگشت، به نوسازی این بافت‌ها نگاه می‌کنند.

آیا برآوردی در نظر گرفته شده است؟ نوسازی این مناطق، چقدر هزینه‌بر خواهد بود؟

روستا: پیش‌بینی شده درصورتی‌که بافت‌های فرسوده کشور نوسازی شود ۳۰درصد از هزینه‌های مدیریت شهری کاهش می‌یابد. درحال‌حاضر، از حدود ۱۳۰ هزار هکتار شامل عرصه‌های فرسوده میانی، تاریخی، سکونتگاه‌های غیررسمی و اراضی ناکارآمد در کشور، ۷۰ هزار هکتار بافت میانی داریم، حدود ۲۵ هزار هکتار بافت تاریخی و بقیه هم سکونتگاه‌های غیررسمی هستند. اراضی ناکارآمد همان بافت‌های فرسوده هستند. اگر بخواهیم تغییر رویکرد در سودآوری بافت‌ها از طریق افزایش تراکم و تغییر کاربری داشته باشیم، باید نگاهمان متفاوت باشد. ممکن است پروژه‌های ما کوچک‌تر باشند و به اولویت‌های محلی توجه کنیم، اما توجه به صرفه‌های اقتصاد به‌عنوان سود توجه نکنیم و به دنبال منافعی باشیم که ممکن است در چند سال بعد، به‌عنوان برون‌داد چنین رویکردی جواب دهند؛ مثلا می‌توانید بگویید ما این بافت را نوسازی کردیم و به کاهش انرژی منجر شد. در بافت فرسوده مصرف انرژی زیاد است. بحث آب، برق، گاز، حرارت، برودت خیلی زیاد است که تجربه به‌صورت رندومی از قبوض آب، برق و گاز نشان می‌دهد که پس از نوسازی کاهش بسیار چشمگیری داشته است.

شما به بافت‌های تاریخی نیز اشاره کردید. نمی‌توان از این مناطق درآمدزایی ایجاد کرد؟

اسلامی: در سال‌های گذشته، فرصت‌های طلایی سرمایه‌گذاری در مناطق هدف وجود داشته است. مثال خیلی واضح، استفاده از عناصر تاریخی و هویت فرهنگی در جذب توریست است؛ مثلا در شهر کاشان اتفاقی که افتاد این بود که به خانه‌های تاریخی توجه شد و این خانه‌ها سرمایه کسب کردند و سرمایه به بازآفرینی شهری منجر شد. سرمایه‌گذاران هم خوشحال هستند که اگر خوشحال نبودند، توسعه این فعالیت و کسب‌وکار را نمی‌دیدید. خانه‌هایی که شاید چند سال قبل، صاحبانشان به زحمت دنبال یک مشتری با نازل‌ترین قیمت بودند، امروز گران‌ترین مناطق شهری را تشکیل داده‌اند. رفت‌وآمد ایجاد شده است و شهر دارای هویت جدی شده و کسب‌وکارها شکل گرفته است. با وجود توریست، سایر کسب‌وکارها هم رونق خیلی جدی‌تری گرفته‌اند و احتمالا اگر برنامه‌ریزی خوبی در این شهرها صورت بگیرد، حتما به جد، روی کل اقتصاد شهر تاثیرگذار خواهد بود.

اسلامی: خیلی از اماکن هستند که مشکلات مدیریتی دارند چون حاکمیت‌ها در همه دنیا از بخش‌های پول‌دارتر درآمد بیشتری کسب می‌کنند و محافظت‌هایشان هم از آن بخش‌ها بیشتر است. وارد بعضی محلات شمال شهر تهران که می‌شوید نیروی انتظامی نگهبان ویژه گذاشته است. آیا حاضر است این کار را برای محلات جنوب شهر هم انجام دهد؟

روستا: حداقل ۲۵ تا ۳۰ هزار هکتار از اراضی ناکارآمد، بافت تاریخی هستند که واجد ارزش‌ها و میراث‌های فرهنگی و تاریخی شهرهای کشور حتی اگر میراث‌های طبیعی را هم اضافه کنیم، خیلی از شهرها میراث طبیعی هم دارند؛ اما متأسفانه در کشور حتی برای ایجاد یا توسعه دستگاه‌های دولتی این تمایل وجود دارد که در بافت‌های جدید شهری ایجاد شوند، درصورتی‌که می‌توانیم با عنوان بهره‌وری مجدد از فضاهای باارزش و تاریخی، سازمان‌هایی را که در حوزه آموزش و فرهنگی هستند، در این بافت‌ها مستقر کنیم که به احیا و زنده‌شدن این بافت‌ها منجر شود.

تغییر کاربری‌ها چقدر به این بافت‌ها آسیب زده است؟

روستا: در شهرهای ایران، با افزایش ارتفاع ازطریق افزایش تراکم یا تغییر کاربری مثلا تغییر کاربری بخش‌های آموزشی یا فضای سبز به مسکونی و تجاری در راستای ایجاد درآمد، به برخی بافت‌ها آسیب زده شده است؛ یعنی آن بخش از اراضی که باید به‌عنوان کالای عمومی در اختیار شهر قرار بگیرد در اختیار بازار اقتصاد و تجاری‌شدن قرار گرفته است.

ریشه مشکل کجاست؟

اسلامی: به اشتباه فکر می‌کنیم ریشه مشکل به این علت است که بافت‌ها در محدوده میانی شهر هستند، درحالی‌که ریشه مشکل به این بازمی‌گردد که ساختارهای پایگاه داده‌ای، حقوقی و قضایی در کشورمان با نقص روبه‌رو است. در زمان‌های متفاوت به مشکلات حقوقی برخوردیم و برای فرار از این مشکلات، اشتباه برنامه‌ریزی کرده‌ایم. بافت‌های میانی و به‌ویژه بافت‌های تاریخی، مسائل حقوقی دارند. راهکارهایی هم در قوانین و مقررات برای رفع این مسئله گذاشته شده است. به‌ویژه خود حاکمیت و دولت در سایر بدنه‌های حاکمیتی مانند شهرداری‌ها هم، دارای اختیاراتی برای رفع مشکلات حقوقی هستند؛ اما به نظرم، مشکل کلیدی اجرانشدن خیلی از این طرح‌های اقتصاد شهری، وجود مسئله حقوقی نیست، اگرچه این مشکل به‌عنوان پیشانی گفته می‌شود. نکته خیلی کلیدی این است که عزم جزم برای رفع این مسائل وجود نداشته و ترجیح می‌دادیم که مسئله را دور بزنیم. طبیعی است که در برخی مناطق شهری با این مشکلات روبه‌رو هستیم. زمین‌هایی که ممکن است چندمالکی یا درگیرودار وارث باشد. البته خارج از بافت‌ها هم این مسئله وجود دارد. بافت‌های میانی شهرها، عمدتا مشکلاتشان مربوط به معارض یا چندمالکی است.

این بافت‌ها دچار مشکلات اقتصادی برای ساکنان هم هستند. فارغ از اینکه یک پروژه قرار باشد در این مناطق اجرا شود، امکان دارد برای اشتغال‌زایی این مناطق هم فعالیتی انجام داد؟

روستا: شهرهای کشورهای درحال‌توسعه مانند ایران، باید به سمت توسعه محلی و جامعه‌محور حرکت کنند. مهم‌ترین راهکار در این زمینه، توسعه اشتغال‌محور در این محلات است. نوسازی بافت‌های فرسوده، رونق و تحول در بازار مسکن را به همراه دارد که به دلیل ایجاد اشتغال‌های جانبی فراوان هم در اقتصاد ملی و هم محلی نقش دارد. نکته دیگر اینکه، اساسا در سیاست‌های نوسازی مسکن، بحث تولید صرف مسکن نیست و نگاه به سمت نوسازی مسکن و تولید خانه بوده است. اعتقاد داریم تولید مسکن به‌عنوان آپارتمان یا واحد مسکونی خیلی نمی‌تواند تأثیرات پایداری را در حوزه اقتصاد و مسائل اجتماعی داشته باشد. در سیاست نوسازی تنها دارایی خانوار را افزایش نمی‌دهیم و فکری هم به حال درآمد خانوار می‌کنیم. افزایش دارایی خانوارها منجر به واگذاری دارایی می‌شود و ممکن است بخشی از اجتماع سیکل و چرخه فقرشان در قالب‌های دیگر ادامه پیدا کند. جهت‌گیری ما در بحث‌های نوسازی بافت‌ها، صرفا بحث مسکن نیست. بحث محله و سکونتگاه‌هاست تا نوسازی باعث تجدیدی در ساختار اجتماعی و اقتصادی محله شود. مسئله توجه به حوزه‌های تاریخی، احیا، بهره‌برداری مجدد، حضور توریست در این بافت‌ها، نشان می‌دهد نوسازی مسکن و اضافه‌شدن تراکم در اولویت رویکردهای ما نیست. در کنار برنامه‌های نوسازی بافت‌های مسکن، به حوزه‌های ایجاد اشتغال خرد محله توجه داریم که در مواردی انجام شده است. در خیلی از این بافت‌ها در تهران، مردم در منازلشان تولید اقتصادی دارند اما اینکه چطور ابزار لازم را ایجاد کنیم که مردم بتوانند اشتغال‌های خانگی را به صورت رسمی داشته باشند، مهم است.

ساخت مسکن اجتماعی در بافت فرسوده به کجا رسید؟

روستا: شاید بتوان به دو صورت به این مسئله پرداخت. مسکن اجتماعی‌ای که درحال‌حاضر مطرح شده، خیلی‌ها به‌عنوان مسکن حمایتی آن را تصور می‌کنند، اما طرح مسکن اجتماعی می‌تواند در دو حوزه اتفاق بیفتد؛ در حوزه توسعه خدمات و ایجاد دسترسی‌ها به مردم و دولت و در کنار آن تولید مسکن. اینکه تصور شود ما مسکن را تولید کنیم که مردم مالکش شوند، درست نیست. درواقع گزینه‌های متفاوتی است که سرپناه را تضمین می‌کند. معمولا در ایران در ۱۰ سال قبل، مالکیت مسکن براساس الگوی پس‌انداز خانواده بوده، یعنی خانواده پس‌انداز می‌کرده و الگوی مصرف خانواده را هم تنظیم می‌کرد، اما در چند سال گذشته به دلیل مواردی مانند مسکن مهر و یارانه‌ها، این تلقی ایجاد شد که مردم فکر کنند می‌توانند با رقم کمی ساکن مسکن شوند. درصورتی‌که بحث مسکن به‌عنوان تضمین یک سرپناه است که صرفا به شکل مالکیت نیست. در ایران این موضوع متصور شده که همه باید سند مالکیت رسمی مسکن داشته باشند اما به‌نظر ما یک بسته متفاوتی از تضمین سرپناه برای گروه‌های متفاوت درآمدی می‌توان در نظر گرفت.

درباره مسکن اجتماعی صحبت کردید. اشاره می‌شود نباید خیلی روی مسکن در بافت‌های فرسوده زوم کرد و به آسیب‌هایی که در بافت فرسوده ایجاد شده، اشاره می‌شود. حتی برخی کارشناسان می‌گویند آسیب‌های اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین آن‌قدر حاد شده که برای دولت مرکزی هم خطرآفرین است. وضعیت از نظر شما چقدر بحرانی است؟

اسلامی: موضوع ناامنی‌های اجتماعی مسئله‌ای است که اتفاقا فقط بافت‌های میانی شهری به آن مبتلا نیستند. تصور شما این است که مناطق جدیدا توسعه‌یافته یا شهرهای اقماری، مشکلاتشان کمتر از بافت‌های میانی و حتی حاشیه‌نشین است؟ یعنی به نظر شما مشکلات امنیتی شهرهای جدید کم است؟ مسئولیت من این نیست و درباره مسائل امنیتی شهرهای جدید آماری ارائه نمی‌دهم، اما برای مثال، متوسط جرم بر جمعیت پردیس، دو و نیم برابر متوسط شهری است. بسیاری از شهرهایی که به واسطه مسکن مهر شکل گرفته‌اند کلانتری، قوه‌قضائیه و بافت اجتماعی مشخص ندارند و به‌همین‌دلیل تبدیل به حاشیه‌نشین شهرها شده‌اند. این مسئله فقط درباره شهرهای جدید نیست. به نظر شما در مناطقی مانند بازار که بااصالت است، مشکلات امنیتی بیشتری داریم یا در پاکدشت و ورامین و قرچک؟ به نظر ما در برنامه‌ریزی‌هایمان هر جا زندگی باشد امنیت افزایش پیدا می‌کند. زندگی به معنای فقط رفت‌وآمد نیست. به معنای تشکیل گروه‌های اجتماعی است. پیشنهاد ما به شهرداری در تهران این بوده که زمان زندگی را در شهر افزایش دهیم. وقتی در شهر تهران ۱۲ شب شهر تعطیل می‌شود، دو نیمه‌شب دیگر شهر امن نیست. اما در زمانی‌هایی مانند نوروز و شب‌های احیا که زندگی در شهر بیست و چهارساعته می‌شود، حجم امنیت در شهر به‌شدت افزایش پیدا می‌کند.

روستا: امنیت با جمعیت و تراکم رابطه دارد. به سابقه سکونت و نوع سازمان اجتماعی‌ای که وجود دارد، مرتبط است. اگر این عوامل را به‌عنوان عوامل علت‌ومعلولی در کنار هم بگذاریم، به این نتیجه می‌رسیم بیشترین آسیب‌ها را در همین محلات داریم. این به این معنا نیست افرادی که در این محلات زندگی می‌کنند، مسبب بروز ناامنی و جرم هستند. مکانی که شاخص‌های امنیت را ندارد، مثل نور یا به دلیل اینکه جمعیتش از سابقه سکونتی برخوردار نیست، مشکل ناامنی دارد. بحث پروخالی‌شدن در محدوده جمعیت‌ها مورد بعدی است. توجه‌نکردن و رسیدگی به این محلات در دهه‌های گذشته باعث شد ساکنان اصیل محلات از آنجا خارج شوند، بنابراین نظام‌های خویشاوندی و همسایگی از بین رفته که منجر به کم‌شدن نظارت اجتماعی شده است. این محلات فی‌نفسه ساکنان بدی ندارند، بلکه حیاط‌خلوتی دارند که باعث بروز جرم و ناهنجاری می‌شود. وقتی در محله‌ای خدمات آموزشی، امنیتی، بهداشتی و ساختارهای اجتماعی وجود ندارد و بیشترین حجم جابه‌جایی سکونت در این محلات رخ می‌دهد ناامنی نیز افزایش می‌یابد. در ادبیات امنیت در مقولات شهرسازی گفته می‌شود مکان‌هایی که بیشترین آسیب امنیتی را دارند، از حاشیه‌ها معمولا شروع می‌شوند. اما از طرفی مراکز شهری در همه شهرهای دنیا بیشترین مسائل و آسیب‌های اجتماعی را دارند چون افرادش گذرا هستند و فضای تردد وجود دارد.

اسلامی: به نظرم نمی‌توان با همه شهرها و مناطق حتی مناطق یک شهر، یک‌جور برخورد کرد. اتفاقا می‌پذیرم بعضی وقت‌ها به دلیل چیزی مثل تئوری پنجره شکسته که وقتی کالبد خراب‌تر است احتمال وقوع جرم بیشتر می‌شود، ممکن است در بعضی مناطق توسعه خدمات صورت نگرفته و آسیب‌ها هم به وجود بیاید، اما نکته‌ای که وجود دارد، این است مشکلات بعضی از این مناطق با کمترین هزینه رفع می‌شود، یعنی در مناطقی ساختمان و زندگی خوب است ولی فاقد نور است. مناطقی هست که همه‌چیز خوب است و وضعیت نظارت انتظامی خوب نیست. خیلی از اماکن هستند مشکلات مدیریتی دارند چون حاکمیت‌ها در همه دنیا از بخش‌های پول‌دارتر درآمد بیشتری کسب می‌کنند و محافظت‌هایشان هم از آن بخش‌ها بیشتر است. وارد بعضی محلات شمال شهر تهران که می‌شوید نیروی انتظامی نگهبان ویژه گذاشته است. آیا حاضر است این کار را برای محلات جنوب شهر هم انجام دهد؟ محدوده‌ها و محلات هدف هم حتی با هم متفاوت هستند. به طور متوسط سکونتگاه‌های غیررسمی و شهرهای اقماری محل بیشتری برای کاهش امنیت هستند، ولی بافت‌های میانی و روستاهای پیوسته‌شده به شهرها معمولا این مشکل را ندارند. به‌هرحال، این نکته کلیدی است اینکه من چقدر می‌توانم زندگی را وارد یک شهر کنم.

روستا: من یک اختلاف نظر با شما دارم. اساسا بحث امنیت به معنای توسعه فضای کلانتری و نیروی انتظامی نیست. به نظرم مهم‌ترین مسئله امنیت، مسئله نظارت اجتماعی است. مسئله امنیت مقوله‌ای نیست که بگوییم دولت شاید در مقیاس کلان وظیفه تأمین امنیت را داشته باشد، مسئله امنیت کاملا شخصی و اجتماعی است و باید این مسئله را به نهادهای مردمی محله سپرد چون هزینه امنیت زیاد است و در حوزه امنیت نمی‌توانیم یک نهاد رسمی برای تأمین امنیت ایجاد کنیم و خیلی از ساختارهای رسمی منجر به سلب مسئولیت مردم از وظایفشان شده است. یعنی همه کنار می‌ایستند که یک نفر امنیت را تأمین کند. در گذشته و همین الان در خیلی از شهرهای کشور مسئله نظافت کاملا مردمی بوده اما الان به دلیل اینکه بازپرداخت هزینه زباله وجود دارد، شما هیچ‌گاه زباله را از روی زمین محله‌تان جمع نمی‌کنید و منتظر شهرداری هستید که این کار را انجام دهد.

اسلامی: دلیلش این است که دولت و شهرداری بابت این خدمات از شهروندان پول دریافت می‌کنند. این امر باعث سلب مسئولیت از دولت نمی‌شود. مسئله امنیت اجتماعی، وظیفه دولت است.

روستا: بله، اما دولت در قالب این هزینه‌ها باید آموزش‌هایی در بحث مشاوره در حوزه ارتقای امنیت به مردم دهد. یعنی مردم در تأمین و تضمین امنیت مشارکت کنند. این مسئله در حوزه امنیت در هر بافت شهری‌ای می‌تواند اجرا شود. در حوزه امنیت، زمانی مردم با هم دعوا می‌کردند و دیگران آنها را از هم جدا می‌کردند. الان در سعادت‌آباد که یک منطقه لوکس است، دو نفر همدیگر را می‌کشند و بقیه فیلم می‌گیرند به جای اینکه کمک کنند. دولت بابت امنیت بودجه دارد ولی این تصور اشتباه است که مسئله امنیت از طریق دولت تأمین شود.

خبر

معرفی مشمولان طرح کارت اعتباری خرید کالا

• **فارس:** ناصر حکیمی مدیرکل فناوری اطلاعات بانک مرکزی اعلام کرد کارمندان رسمی و پیمانی، بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی کشوری و زوج‌های جوانی که در سامانه تسهیلات ازدواج نام‌نویسی کرده و هنوز تسهیلات نگرفته‌اند، مشمول دریافت کارت اعتباری می‌شوند.

کشف اختلاس میلیاردی در چابهار

• **مهر:** فرمانده انتظامی چابهار، گفت: باند شش‌نفره‌ای که با سندسازی صوری و ایجاد حساب‌های متعدد شخصی در این شهرستان یک‌میلیاردو ۹۸۰ میلیون‌و ۱۴۰ هزار ریال اختلاس کرده بودند، دستگیر شدند. به گزارش معاونت اجتماعی نیروی انتظامی استان، سرهنگ محمدرضا کاظمی دراین‌باره اظهار کرد: در پی دریافت گزارشی مبنی بر اینکه تعدادی از افراد سودجو و فرصت‌طلب در یکی از ادارات دولتی چابهار با سندسازی و ایجاد حساب‌های متعدد شخصی مبلغ درخور توجهی اختلاس کرده‌اند، بررسی موضوع به‌طور ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت.

۱۱۰ هزار واحد مسکونی تسهیلات نوسازی می‌گیرند

• **فارس:** معاون وزیر راه‌وشهرسازی، با بیان اینکه تا پایان سال ۹۴ بالغ بر ۱۱۰هزار واحد مسکونی در محدوده بافت‌های فرسوده، تسهیلات نوسازی دریافت خواهند کرد، گفت: انبوه‌سازان برای بالارفتن کیفیت ساخت‌وساز در بافت‌های فرسوده، در اولویت هستند. محمدسعید ایزدی گفت: در بسته خروج از رکود که به بانک‌ها نیز ابلاغ شد، مقرر شد تا برای نوسازی ۳۰۰ هزار واحد مسکونی در بافت‌های فرسوده، تسهیلات ۵۰میلیونی برای کلان‌شهرها، برای شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر ۴۰میلیون تومان و برای سایر شهرها ۳۰ میلیون تومان به‌ازای هر واحد پرداخت شود. وی با اشاره به اینکه از این تعداد تاکنون ۳۷ هزار فقره تسهیلات پرداخت شده است، گفت: در نظر داریم تا پایان سال جاری، بالغ بر ۱۱۰هزار واحد مسکونی در محدوده بافت‌های فرسوده، تسهیلات نوسازی دریافت کنند. ایزدی خاطرنشان کرد: در برنامه تسهیلات نوسازی بافت‌های فرسوده، انبوه‌سازان در اولویت پرداخت تسهیلات قرار دارند؛ چراکه می‌خواهیم با این اقدام کیفیت ساخت‌وساز افزایش یابد.

کلنگ ساخت اولین سد در دولت یازدهم به زمین خورد

• **مهر:** معاون وزیر نیرو با بیان اینکه سیمای منابع آب کشور تدوین و میزان منابع و مصارف به تمامی وزارتخانه‌های کشور ابلاغ شده است، گفت: سد سرنی در ۳۴ کیلومتری جنوب میناب در استان هرمزگان یک پروژه ویژه تأمین آب شرب است. رحیم میدانی در مراسم کلنگ‌زنی اولین سدی که در دولت تدبیر و امید برای تأمین نیاز آب شرب برخی شهرهای جنوب کشور ساخته خواهد شد، اظهار کرد: نیازمند تأمین آب شرب مطمئن برای مردم هستیم و کشور باید به توسعه پایدار برسد. این مقام مسئول در وزارت نیرو با اشاره به اینکه ۹۰ درصد مواد غذایی کشور از طریق اراضی آبی تولید می‌شود، خاطرنشان کرد: همچنین ۴۷ درصد کل نزولات آسمانی کشور در زمستان است و بدون سدها نمی‌توان نیاز آب کشور را تأمین کرد.

انحلال وزارت نیرو رسما منتفی شد

• **تسنیم:** موضوع انحلال وزارت نیرو و تشکیل وزارت انرژی در جلسه فوق‌العاده پنجشنبه گذشته دولت با حضور رئیس‌جمهوری پس از اظهارات چیت‌چیان، زنگنه و طیب‌نیا به رأی گذاشته شد و درنهایت این موضوع به تصویب هیأت وزیران نرسید.

قیمت جهانی نفت افزایش یافت

• **مهر:** قیمت جهانی نفت در بازار معاملات آتی روز جمعه با افزایش روبه‌رو شد. به گزارش پایگاه خبری «رویترز»، با اعمال سیاست‌های پولی بانک مرکزی چین با هدف تقویت پول این کشور، قیمت جهانی نفت در روز جمعه کمی بهبود یافت و در بازار معاملات از رکورد کمترین رقم در ۱۲ سال اخیر فاصله گرفت. درهمین‌حال، قیمت نفت دریای برنت برای تحویل در ماه فوریه با ۴۱ سنت افزایش یا ۱.۲۱ رشد به رقم ۳۴دلار و ۱۶ سنت در هر بشکه رسید.

امکان فسخ واگذاری آلومینیوم المهدی فقط با یک شرط

• **ایسنا:** رئیس سازمان خصوصی‌سازی با بیان اینکه قرارداد واگذاری آلومینیوم المهدی از نظر سازمان خصوصی‌سازی درست و سالم است، گفت: فقط در صورتی این قرارداد فسخ و ابطال می‌شود که خریدار تعهدات خود را انجام ندهد. میرعلی‌اشرف عبدالله پوری‌حسینی افزود: مواردی که به هیأت داوری گرفته شده، هیچ‌کدام موجب لغو قرارداد نیست، بلکه شبهاتی به‌دلیل بی‌اطلاع‌بودن از واگذاری و نکات دقیق آن مطرح شده که سازمان خصوصی‌سازی نیز به شبهات آن پاسخ داده است.

عکس: امیر جدیدی، شرق